

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۲/۸۸۵ رده بندی کنگره: ب ۲۱/۷۶۴۱۰

بررسی زمینه های ایجاد بدعت و نوآوری بین آحاد مردم جامعه

علی صفدری

چکیده

بدعت از جمله مفاهیمی است که در حوزه اندیشه و فرهنگ دینی، به ویژه در ارتباط با چگونگی شکل گیری و انتقال باورها و رفتارهای مذهبی، اهمیت فراوان دارد. در کاربرد عمومی، هر امر جدید و نوآورانه ای ممکن است بدعت تلقی شود، در حالی که از منظر مفهومی، میان نوآوری به معنای ایجاد روش ها و ابزارهای جدید و بدعت به معنای وارد کردن امر فاقد مستند معتبر به حوزه دین و نسبت دادن آن به شریعت تفاوت اساسی وجود دارد. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی زمینه هایی است که می تواند موجب شکل گیری، گسترش و تثبیت بدعت های دینی در میان افراد جامعه شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع دینی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی، زمینه های فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و رسانه ای شکل گیری بدعت را بررسی می کند. یافته های پژوهش نشان می دهد که ضعف سواد دینی، برداشت سطحی از متون، پیروی غیرنقادانه از اشخاص، تقدس بخشی به عادات اجتماعی، آمیختگی سنت های قومی با آموزه های دینی، نیاز روانی به تعلق و تمایز، استفاده نادرست از احساسات مذهبی، ضعف گفت و گوی علمی و گسترش اطلاعات غیرمعتبر در فضای مجازی از مهم ترین عوامل زمینه ساز هستند. در عین حال، برخورد با بدعت نیز نباید با مخالفت با هر گونه نوآوری اجتماعی، فرهنگی و علمی اشتباه گرفته شود.

واژگان کلیدی: بدعت، نوآوری، فرهنگ دینی، سواد دینی، انحراف فرهنگی.

مقدمه

دین در بسیاری از جوامع تنها مجموعه‌ای از اعتقادات فردی نیست، بلکه با هویت فرهنگی، اخلاق اجتماعی، مناسک، روابط خانوادگی و حتی الگوهای رفتاری افراد پیوند دارد. به همین دلیل، هرگونه تغییر در برداشت مردم از آموزه‌های دینی می‌تواند فراتر از حوزه اعتقاد فردی رفته و آثار اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای ایجاد کند. یکی از موضوعاتی که در این زمینه همواره مورد توجه اندیشمندان دینی قرار داشته، مسئله بدعت و نحوه شکل‌گیری و گسترش آن در جامعه است. بدعت از مفاهیمی است که در طول تاریخ اندیشه اسلامی درباره تعریف، مصادیق و حدود آن بحث‌های فراوانی صورت گرفته است. یکی از دلایل دشواری این بحث، آن است که واژه بدعت در زبان عمومی گاهی برای هر پدیده جدید به کار می‌رود، در حالی که چنین کاربردی با معنای تخصصی آن یکسان نیست. هر نوآوری الزاماً بدعت نیست و هر پدیده جدید اجتماعی یا علمی را نمی‌توان به دلیل جدید بودن، مخالف دین دانست بسیاری از ابزارها، روش‌های آموزشی، فناوری‌ها و شیوه‌های جدید زندگی در زمان پیدایش خود سابقه‌ای در جوامع پیشین نداشته‌اند، اما صرف جدید بودن آنها موجب خروجشان از قلمرو مشروعیت دینی نمی‌شود. نخستین ضرورت در بررسی مسئله بدعت، تفکیک میان نو بودن و نسبت دادن امر بدون مستند به دین است. نوآوری می‌تواند در حوزه علم، فناوری، مدیریت، آموزش، هنر و بسیاری از عرصه‌های زندگی اجتماعی رخ دهد و حتی موجب پیشرفت جامعه شود. اما زمانی که یک باور، رفتار یا آیین جدید بدون پشتوانه معتبر وارد قلمرو دین شود و به عنوان بخشی از دین معرفی گردد، مسئله از نوآوری معمول اجتماعی فراتر می‌رود و بحث بدعت مطرح

می‌شود. در منابع اسلامی نیز بر اهمیت پیروی از هدایت الهی و پرهیز از نسبت دادن سخن بدون علم به خداوند تأکید شده است. قرآن کریم در آیه ۱۱۶ سوره نحل از پیروی از سخنان بی‌پایه درباره حلال و حرام نهی می‌کند و در آیه ۳۶ سوره اسراء انسان را از پیروی چیزی که نسبت به آن علم ندارد، برحذر می‌دارد. این آموزه‌ها نشان می‌دهد که یکی از اصول اساسی در فرهنگ دینی، تفکیک میان معرفت مستند و ادعاهای فاقد پشتوانه است. در زندگی اجتماعی، شکل‌گیری بدعت الزاماً نتیجه تصمیم آگاهانه یک فرد برای تغییر دین نیست. گاهی یک عادت اجتماعی به تدریج رنگ دینی پیدا می‌کند، گاهی یک سخن عامیانه نسل به نسل منتقل می‌شود و به مرور چنان با باورهای مذهبی آمیخته می‌شود که افراد تصور می‌کنند منشأ شرعی دارد. در موارد دیگر، یک رفتار با نیت خیر آغاز می‌شود، اما به تدریج چنان تقدس پیدا می‌کند که ترک آن مساوی با ترک دین تلقی می‌شود. بنابراین، بررسی بدعت نیازمند شناخت فرآیند اجتماعی و روانی شکل‌گیری و تثبیت آن است. در جامعه معاصر، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز این فرآیند را پیچیده‌تر کرده‌اند. در گذشته انتقال یک باور نادرست ممکن بود سال‌ها زمان ببرد، اما امروز یک پیام، تصویر، کلیپ یا سخنرانی کوتاه می‌تواند در مدت بسیار کوتاهی میان هزاران نفر منتشر شود. در چنین فضایی، مرز میان سخن مستند و غیرمستند برای مخاطب عادی همیشه روشن نیست و جذابیت احساسی یک محتوا می‌تواند بر اعتبار علمی آن غلبه کند. بر این اساس، مطالعه زمینه‌های ایجاد بدعت باید فراتر از شناسایی مصادیق انجام شود. مسئله مهم‌تر آن است که چه شرایطی موجب می‌شود فرد یا گروهی یک باور یا رفتار فاقد مستند

معتبر را بپذیرد، آن را به دیگران منتقل کند و در نهایت به بخشی از فرهنگ عمومی تبدیل نماید.

بخش اول: کلیات

یکی از مسائل مهم در حوزه فرهنگ دینی، نحوه انتقال آموزه‌ها از نسل‌های گذشته به نسل‌های جدید است. انتقال فرهنگی اگر بر پایه آموزش صحیح و فهم مستند صورت گیرد، می‌تواند موجب حفظ هویت دینی و تقویت سرمایه فرهنگی جامعه شود، اما اگر همراه با برداشت‌های شخصی، عادات قومی، خرافات، اطلاعات ناقص و تفسیرهای غیرعلمی باشد، امکان آمیختگی دین با عناصر غیردینی افزایش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، تشخیص اینکه یک باور یا رفتار واقعاً منشأ دینی دارد یا محصول یک تحول فرهنگی و اجتماعی است، برای بسیاری از افراد دشوار می‌شود. این دشواری زمانی بیشتر می‌شود که یک رفتار طی سال‌های طولانی تکرار شده و به صورت سنت اجتماعی درآمده باشد. قدمت یک رفتار، به خودی خود دلیل دینی بودن آن نیست، همان‌گونه که جدید بودن یک رفتار نیز به خودی خود دلیل نادرست بودن آن نیست از سوی دیگر، عوامل روان‌شناختی نیز در پذیرش باورهای غیرمستند نقش دارند. انسان معمولاً به دنبال تعلق به گروه و برخورداری از هویت مشترک است. اگر یک رفتار خاص به نماد عضویت در یک گروه مذهبی تبدیل شود، فرد ممکن است برای حفظ تعلق اجتماعی خود، آن را بدون بررسی علمی بپذیرد. در چنین وضعیتی، پرسشگری درباره منشأ آن رفتار ممکن است به عنوان مخالفت با گروه یا ارزش‌های دینی تلقی شود. مسئله زمانی جدی‌تر می‌شود که

اشخاصی بدون برخورداری از دانش کافی، در جایگاه تفسیر دین قرار گیرند. استفاده از آیات و روایات خارج از زمینه، نقل احادیث ضعیف بدون توضیح درباره اعتبار آنها، بیان خواب‌ها و مکاشفات شخصی به عنوان حجت عمومی و نسبت دادن حوادث عادی به امور قطعی دینی، از جمله فرآیندهایی است که می‌تواند مرز میان ایمان مستند و باور غیرمستند را مخدوش کند بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش آن است که مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد و گسترش بدعت در میان آحاد جامعه چیست و چه عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای در این فرآیند نقش دارند؟ همچنین، چگونه می‌توان بدون مخالفت با نوآوری‌های مشروع علمی و اجتماعی، از ورود باورها و رفتارهای فاقد مستند معتبر به قلمرو دین جلوگیری کرد؟

بخش دوم: بررسی مفهوم شناسی واژگان مهم

۱- مفهوم شناسی بدعت و نوآوری

بدعت در لغت به معنای ایجاد و پدید آوردن امر جدید است. در اصطلاح دینی، مفهوم آن تخصصی‌تر شده و معمولاً به ایجاد امر جدیدی در حوزه دین و نسبت دادن آن به شریعت بدون پشتوانه معتبر اشاره دارد. بنابراین، عنصر مهم در مفهوم اصطلاحی بدعت، صرف جدید بودن نیست، بلکه ارتباط دادن امر جدید با دین و شریعت اهمیت دارد. از این منظر، نوآوری مفهومی گسترده‌تر از بدعت دارد. ممکن است جامعه در شیوه آموزش، فناوری، ارتباطات یا مدیریت نوآوری کند، بدون آنکه این امر ارتباطی با تغییر در اصول و احکام دین داشته باشد. حتی در حوزه امور دینی نیز استفاده از ابزارهای جدید برای آموزش یا

تبلیغ، صرفاً به دلیل جدید بودن ابزار، بدعت محسوب نمی‌شود. توجه به این تمایز از آن جهت ضروری است که برداشت افراطی از مفهوم بدعت می‌تواند به مخالفت با تحول و نوآوری اجتماعی منجر شود. جامعه‌ای که هر امر جدیدی را بدعت تلقی کند، ممکن است ظرفیت خود را برای پذیرش تغییرات مفید از دست بدهد. در مقابل، جامعه‌ای که هر باور جدیدی را بدون بررسی می‌پذیرد، ممکن است زمینه گسترش خرافات و برداشت‌های نادرست را فراهم کند بنابراین، معیار اصلی باید مستند بودن و نسبت آن امر با دین باشد، نه صرف جدید یا قدیمی بودن.

۲- زمینه‌های فردی ایجاد بدعت

یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها، ضعف معرفت دینی است. فردی که با اصول فهم متون دینی، روش تشخیص روایت معتبر، جایگاه عقل، عرف و اجماع و تفاوت میان حکم شرعی و برداشت شخصی آشنا نیست، در برابر ادعاهای دینی آسیب‌پذیرتر است. ضعف دانش دینی گاهی با اعتماد بیش از اندازه به اشخاص همراه می‌شود. در چنین شرایطی، فرد به جای بررسی دلیل یک ادعا، صرفاً به اعتبار گوینده اعتماد می‌کند. این وضعیت زمانی خطرناک‌تر می‌شود که شخصیت اجتماعی یا مذهبی فرد به اندازه‌ای پررنگ باشد که مخاطبان سخنان او را بدون ارزیابی بپذیرند. عامل دیگر، تمایل انسان به ساده‌سازی مسائل پیچیده است. آموزه‌های دینی گاهی نیازمند مطالعه، بررسی منابع و توجه به تفاوت میان مسائل قطعی و ظنی هستند. اما ارائه پاسخ‌های بسیار ساده و قطعی برای مسائل پیچیده می‌تواند برای مخاطب جذاب‌تر باشد. همین جذابیت ممکن است باعث شود برداشت‌های

ساده‌شده به جای فهم دقیق دین قرار گیرند. نیاز به تجربه معنوی نیز از عوامل قابل توجه است. انسان ممکن است در دوره‌هایی از زندگی به دنبال تجربه‌ای متفاوت، معنوی و آرامش‌بخش باشد. اگر این نیاز از مسیر منابع معتبر پاسخ داده نشود، احتمال گرایش به ادعاهای خارق‌العاده و افراد مدعی افزایش می‌یابد.

۳-زمینه‌های خانوادگی

خانواده نخستین محیط انتقال بسیاری از باورها و رفتارهای فرهنگی است. کودک بسیاری از مفاهیم دینی را نه از طریق کتاب، بلکه از طریق مشاهده رفتار والدین و اطرافیان می‌آموزد. اگر در خانواده، مرز میان دین، عرف و عادت روشن نباشد، کودک ممکن است بسیاری از رفتارهای خانوادگی را ذاتاً دینی تصور کند. برای مثال، ممکن است یک رسم محلی طی چند نسل در خانواده اجرا شده باشد و اعضای خانواده به تدریج آن را بخشی از دین تصور کنند. در چنین شرایطی، حتی پرسش درباره منشأ آن رسم ممکن است با واکنش منفی مواجه شود، زیرا سنت خانوادگی با هویت خانوادگی پیوند خورده است.

۴-زمینه‌های فرهنگی و قومی

فرهنگ هر جامعه مجموعه‌ای از آداب، رسوم، نمادها و رفتارهای تاریخی است. بسیاری از این عناصر ارزش فرهنگی دارند و حفظ آنها می‌تواند به تقویت هویت اجتماعی کمک کند. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که یک رسم فرهنگی بدون دلیل کافی به عنوان حکم

قطعی دینی معرفی شود. آمیختگی سنت و دین یکی از زمینه‌های مهم شکل‌گیری باورهای غیرمستند است. در طول زمان ممکن است یک رفتار فرهنگی به دلیل همراهی با مراسم مذهبی، رنگ دینی پیدا کند. نسل‌های بعدی نیز ممکن است منشأ اصلی آن را فراموش کرده و تصور کنند که این رفتار از ابتدا بخشی از شریعت بوده است.

۵- نقش رسانه‌ها و فضای مجازی

رسانه‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر الگوی انتقال باورهای دینی در جامعه معاصر هستند. امروز هر فرد می‌تواند تولیدکننده و منتشرکننده محتوای دینی باشد. این تحول فرصت‌های فراوانی برای آموزش ایجاد کرده است، اما همزمان خطر انتشار اطلاعات نادرست را نیز افزایش داده است. یکی از مشکلات فضای مجازی، حذف بسیاری از نشانه‌های سنتی اعتبارسنجی است. مخاطب ممکن است یک سخنرانی را تنها به دلیل تعداد زیاد بازدیدکنندگان معتبر تلقی کند، در حالی که میزان انتشار یک محتوا ارتباط مستقیمی با صحت علمی آن ندارد. همچنین محتواهای احساسی معمولاً قابلیت انتشار بیشتری دارند. جمله‌ای کوتاه و هیجان‌انگیز درباره یک مسئله مذهبی ممکن است بسیار سریع‌تر از یک بحث علمی و مستند منتشر شود. این مسئله می‌تواند موجب شود ادعاهای ساده و قطعی جای تحلیل‌های دقیق را بگیرند.

۶- نقش جهل و خرافه

یکی از زمینه‌های مهم شکل‌گیری بدعت، آمیختگی دین با خرافات است. خرافه معمولاً ادعایی است که بدون پشتوانه کافی، رابطه‌ای غیرموجه میان یک رفتار یا پدیده و نتیجه‌ای خاص برقرار می‌کند در بسیاری از موارد، خرافه به دلیل پاسخ دادن به نیاز انسان برای کنترل آینده یا کاهش اضطراب، جذاب می‌شود. انسان در برابر حوادث ناشناخته به دنبال معنا و علت می‌گردد و ممکن است در نبود اطلاعات کافی، روابط علت و معلولی غیرواقعی ایجاد کند اگر چنین باورهایی با ادبیات دینی بیان شوند، تشخیص آنها برای افراد دشوارتر خواهد شد. به همین دلیل، آموزش تفکیک میان آموزه دینی، تجربه شخصی، سنت فرهنگی و خرافه ضروری است.

۷- نقش احساسات مذهبی

احساسات مذهبی از عناصر مهم زندگی معنوی انسان هستند و نمی‌توان نقش آنها را نادیده گرفت. با این حال، احساسات به تنهایی نمی‌توانند معیار صحت یک ادعای دینی باشند. ممکن است یک روایت یا رفتار به دلیل تأثیر عاطفی شدید، برای افراد بسیار باورپذیر باشد، در حالی که سند یا محتوای آن نیازمند بررسی بیشتری است. در چنین مواردی، احترام به احساسات مذهبی نباید مانع بررسی علمی و مستند مطالب شود. تعادل میان عقلانیت و عاطفه می‌تواند مانع بسیاری از سوءبرداشت‌ها شود. احساس دینی زمانی می‌تواند پایدار و سازنده باشد که با معرفت و آگاهی همراه شود.

۸- نقش پیروی غیرنقادانه از شخصیت‌ها

در جوامع مختلف، افراد معمولاً تحت تأثیر شخصیت‌های محبوب، رهبران اجتماعی، سخنرانان و افراد بانفوذ قرار می‌گیرند. این امر به خودی خود منفی نیست، زیرا انتقال دانش و تجربه نیازمند اعتماد به افراد متخصص است. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که اعتماد به شخصیت، جایگزین بررسی دلیل شود. در این حالت، سخن فرد به دلیل شخصیت او پذیرفته می‌شود، نه به دلیل استدلال و مستندات آن در حوزه دین، این مسئله اهمیت بیشتری دارد، زیرا نسبت دادن یک حکم به خداوند یا پیامبر و امامان نیازمند دقت بالایی است. بنابراین، حتی افراد محترم و محبوب نیز باید سخنان خود را از نظر علمی و منابع معتبر قابل بررسی بدانند.

بخش سوم: زمینه‌های اجتماعی و نیاز به هویت

انسان موجودی اجتماعی است و تعلق به گروه برای او اهمیت دارد. گروه‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی می‌توانند هویت و احساس تعلق ایجاد کنند. گاهی یک باور یا رفتار خاص به نماد عضویت در گروه تبدیل می‌شود و همین امر پذیرش آن را تقویت می‌کند. در این وضعیت، فرد ممکن است نه به دلیل استدلال دینی، بلکه برای حفظ ارتباط اجتماعی خود، باور مورد نظر را بپذیرد. هرچه هزینه اجتماعی مخالفت با یک باور بیشتر باشد، امکان پرسشگری کاهش پیدا می‌کند. جامعه سالم باید امکان پرسش و گفت‌وگوی علمی را فراهم کند. هیچ باور دینی مستندی نباید از نقد علمی و بررسی منابع هراس داشته باشد.

۱- پیامدهای گسترش بدعت

گسترش برداشت‌های غیرمستند از دین می‌تواند پیامدهای مختلفی داشته باشد. نخستین پیامد، مخدوش شدن مرز میان دین و فرهنگ است. در این شرایط، مردم ممکن است برخی عادات اجتماعی را به عنوان احکام قطعی دینی بشناسند و در مقابل، برخی آموزه‌های واقعی دین را به دلیل ناسازگاری با عادات خود نپذیرند پیامد دیگر، کاهش اعتماد عمومی است. هنگامی که افراد با گذشت زمان متوجه شوند برخی ادعاهای مذهبی که به عنوان حقیقت قطعی ارائه شده‌اند، مستند نیستند، ممکن است اعتماد آنها نسبت به سایر منابع دینی نیز کاهش یابد بدعت همچنین می‌تواند موجب اختلاف اجتماعی شود. هنگامی که یک رفتار غیرمستند به عنوان معیار دینداری معرفی شود، افرادی که آن را انجام نمی‌دهند ممکن است غیرمتدین یا منحرف تلقی شوند. چنین وضعیتی می‌تواند موجب شکل‌گیری مرزبندی‌های غیرضروری در جامعه شود.

۲- راهکارهای پیشگیری

مقابله با بدعت پیش از هر چیز نیازمند تقویت معرفت دینی است. جامعه‌ای که افراد آن منابع معتبر و روش صحیح فهم دین را بشناسند، کمتر در معرض پذیرش ادعاهای غیرمستند قرار خواهد گرفت. در کنار آموزش دینی، باید فرهنگ پرسشگری نیز تقویت شود. پرسیدن درباره منشأ یک باور نباید بی‌احترامی تلقی شود. گفت‌وگوی علمی می‌تواند بسیاری از باورهای نادرست را بدون ایجاد تنش اجتماعی اصلاح کند. توجه به زبان ارتباط با نسل جوان نیز ضروری است. اگر آموزش دینی صرفاً با زبان پیچیده و دور از مسائل روز

ارائه شود، بخشی از نسل جدید ممکن است پاسخ پرسش‌های خود را در منابع غیرمعتبر جست‌وجو کند. بنابراین، تولید محتوای معتبر، جذاب و قابل فهم در فضای مجازی اهمیت فراوان دارد. همچنین روحانیان، معلمان، استادان و فعالان فرهنگی باید در نقل مطالب دینی دقت بیشتری داشته باشند. تفکیک میان روایت معتبر، روایت ضعیف، داستان تاریخی و برداشت شخصی می‌تواند از بسیاری از سوء تفاهم‌ها جلوگیری کند.

۳- جایگاه عقلانیت در مقابله با بدعت

عقلانیت دینی به معنای کنار گذاشتن ایمان نیست، بلکه به معنای استفاده از ابزارهای عقلانی برای فهم، ارزیابی و دفاع از باورهای دینی است. جامعه‌ای که میان ایمان و عقل تعارض مطلق ایجاد کند، ممکن است زمینه را برای پذیرش ادعاهای غیرمستند فراهم نماید. عقلانیت اقتضا می‌کند که هر ادعایی متناسب با ماهیت خود ارزیابی شود. ادعای تاریخی نیازمند منبع تاریخی است، ادعای فقهی نیازمند مستند فقهی است و ادعای علمی نیازمند دلیل علمی است. نمی‌توان برای همه این ادعاها از یک نوع دلیل استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

بدعت را نمی‌توان صرفاً با مفهوم هر امر جدید برابر دانست. نوآوری در زندگی اجتماعی، علمی و فرهنگی امری طبیعی و گاه ضروری است. آنچه در مفهوم تخصصی بدعت اهمیت دارد، ورود امر جدید به قلمرو دین و نسبت دادن آن به شریعت بدون مستند معتبر است. بنابراین، تفکیک میان نوآوری مشروع و بدعت، نخستین گام برای تحلیل علمی این

مسئله است. بررسی زمینه‌های شکل‌گیری بدعت نشان می‌دهد که این پدیده معمولاً محصول یک عامل واحد نیست. ضعف سواد دینی، برداشت سطحی از منابع، پیروی غیرنقدانه از اشخاص، آمیختگی سنت‌های فرهنگی با آموزه‌های دینی، نیاز به تعلق اجتماعی، جاذبه ادعاهای خارق‌العاده، ضعف گفت‌وگوی علمی، احساسات مذهبی و گسترش اطلاعات غیرمعتبر در فضای مجازی می‌توانند در کنار یکدیگر زمینه شکل‌گیری و تثبیت باورهای غیرمستند را فراهم کنند. در این میان، خانواده و نظام آموزشی نقش بنیادینی دارند. خانواده نخستین محیط انتقال باورهاست و مدرسه و دانشگاه می‌توانند مهارت تشخیص و ارزیابی اطلاعات را تقویت کنند. آموزش دینی مطلوب نباید صرفاً بر حفظ مطالب متمرکز باشد، بلکه باید توانایی فهم منبع، تشخیص اعتبار، پرسشگری و تفکر انتقادی را نیز در فرد ایجاد کند. رسانه‌ها نیز در شرایط کنونی نقش دوگانه‌ای دارند. از یک سو می‌توانند زمینه انتشار سریع اطلاعات نادرست را فراهم کنند و از سوی دیگر، ظرفیت گسترده‌ای برای آموزش صحیح و دسترسی مردم به منابع معتبر دارند. استفاده مسئولانه از این ظرفیت می‌تواند یکی از مؤثرترین ابزارهای پیشگیری از گسترش بدعت باشد.

• پیشنهادها

۱. آموزش مفاهیم بدعت، خرافه، سنت فرهنگی و نوآوری در برنامه‌های آموزشی دینی با تعریف دقیق و غیر مبهم دنبال شود.

۲. مهارت تشخیص منابع معتبر دینی و ارزیابی احادیث و نقل‌های تاریخی در آموزش‌های عمومی تقویت شود.

۳. میان سنت‌های قومی و احکام دینی تمایز روشن ایجاد شود و ارزش فرهنگی یک رسم با اعتبار شرعی آن یکی تلقی نشود.

۴. تولید محتوای دینی معتبر و جذاب برای شبکه‌های اجتماعی گسترش یابد.

۵. فرهنگ پرسشگری و گفت‌وگوی علمی درباره مسائل دینی تقویت شود.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). *شریعت در آینه معرفت*. قم: اسراء.
۴. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۵). *فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی*. قم: مؤسسه امام صادق(ع).
۵. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). *اسلام و نیازهای زمان*. تهران: صدرا.
۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۱. نراقی، احمد. (۱۳۸۸). *عوائد الایام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۹). *معارف قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۳. شریعتی، علی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*. تهران: چاپخش.
۱۴. ملکیان، مصطفی. (۱۳۹۱). *راهی به راهی*. تهران: نگاه معاصر.



۱۵. Hervieu-Léger, D. (۲۰۰۰). *Religion as a Chain of Memory*. Cambridge: Polity Press.
۱۶. Hoover, S. M. (۲۰۰۶). *Religion in the Media Age*. London: Routledge.
۱۷. McGuire, M. B. (۲۰۰۸). *Lived Religion: Faith and Practice in Everyday Life*. Oxford: Oxford University Press.
۱۸. Stark, R., & Bainbridge, W. S. (۱۹۸۷). *A Theory of Religion*. New York: Peter Lang.
۱۹. Taylor, C. (۲۰۰۷). *A Secular Age*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
۲۰. Turner, B. S. (۲۰۱۱). *Religion and Modern Society: Citizenship, Secularisation and the State*. Cambridge: Cambridge University Press.
۲۱. Woodhead, L. (۲۰۱۶). *Religions in the Modern World: Traditions and Transformations*. London: Routledge.

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه
 شورای عالی
تحقیقات و پژوهش
و امور ایران
 دانشگاه فرهنگیان
 جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
 پژوهشگاه فرهنگ، اندیشه و ادبیات

پنجمین همایش علمی-پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و

www.Olomensani.ir
www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
 روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۵۲۶-۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 (در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
 MENDELEY
 جهاد
دانشگاهی
 DRJI
Directory of Research Journals Indexing
 CONF PAPER
 Academia.edu
California-San Francisco
 PBIN.com
Sponsored And Indexed
 Scientific Information Database
 ICI WORLD of JOURNALS
 CIVILICA
Sponsored and Indexed by
We Respect the Science